

روشنفکران دینی و مسئله زنان

(یکی از مهمترین ارزش ها در مناسبات زن و مرد این است که زن، زن باشد و مرد، مرد. عموم حکیمان معتقد بودند که کمال هر کسی ویژه او و مناسب اوست و همه مردم و اصناف کمال واحد ندارند و آن کمال هم با آن است که هرکس خودش باشد. بنظر من، این عقیده از مهمترین ارزش های حاکم بر روابط زن و مرد و حاکم بر اخلاق زنانه و مردانه است.

.... پس نباید مقرراتی وضع شود که زن را از مدار زنانگی و مرد را از مدار مردانگی بیرون ببرد.
.... به گمان من مسئله حجاب و پوشش برای زنان صرفاً محتوای اجتماعی، حقوق یا اخلاقی ندارد، بلکه جنبه های اسطوره ای هم دارد.

.... وقتی چیزی در تاریخ قاعده شد، باید آن را واجد ریشه ای در روان یا ساختمان بیولوژیک انسان دانست.
.... عرض بنده این است ما نمی توانیم بسادگی بگوئیم زنان در کل تاریخ تحت ستم بوده اند و چون تحت ستم بوده اند، نتوانسته اند گوهر خودشان را آنچنان که باید نشان بدهند.

.... من نمی خواهم بگویم به زنان ظلمی شده یا نشده، بلکه می خواهم بگویم با این تبیین مبتنی بر ظلم مسئله حل نمی شود

.... در حقیقت تعامل چهار بینش تاریخ زنان را ساخته است. این چهار بینش عبارتند از: تلقی زن از خود، تلقی زن از مرد، تلقی مرد از خود و تلقی مرد از زن. این چهار بینش، در فضای کلی تاریخی، نظامی را پدید آورده است بنام نظام مردسالاری، و در این نظام زنان ظلم دیده اند. البته با چنین تحلیلی شاید دیگر نامش را ظلم هم نتوان گذاشت. وقتی امری مقتضی شرایط است چگونه می توان نام آن را ظلم گذاشت.)

- عبدالکریم سروش، نظریه پرداز «دوم خرداد» (سروش از تئوریسین های انقلاب فرهنگی و یکی از مسببین اصلی سرکوب و کشتار دانشجویان انقلابی در سال ۵۹ بود. در زندانهای جمهوری اسلامی خواندن کتابهای او برای مقابله با افکار و عقاید انقلابی و مرفعی اجباری بود.)

((منظور من از تفاوت های تکوینی همان تفاوت های زیستی و تفاوت های روانی است یا، به تعبیر بهتر، منظورم تفاوت هایی است که زن و مرد در ناحیه بدن و در ناحیه ذهن، و از آن بالاتر، در ناحیه نفس دارند.
... وقتی فرصت های مساوی در اختیار هر دو قرار دادیم ممکن است بدلیل همان تفاوت های روانی که بین مرد و زن است، خودشان نقش های ناهمانندی را انتخاب کنند.

... من معتقدم که در این صورت هم تفاوت های روانی موجب تفاوت هایی در نقش های اجتماعی می شود.))
- مصطفی ملکیان، از مقاله نویسان نشریه کیان، ارگان فلسفی دوم خردادی ها (ملکیان از همراهان و همدستان عبدالکریم سروش می باشد).

((اگر منظورتان این باشد که آیا در جامعه ایران زنان، از لحاظ تاریخی، فرهنگی و سیاسی اغلب قشری درجه دوم بوده اند (اگر چه در پشت پرده بخشی از زنان برای اعمال تسلط خود بر مردان چندان بیکار نبوده اند) و ادبیات و فرهنگ دینی «مرد محور» در این جامعه نهادینه شده است، پاسخ سؤال روشن نیست.))

- حمید رضا جلالی پور - روزنامه نگار «دوم خردادی» (فرماندار نظامی مهلباد در سالهای ۶۰، از جلدان خلق کرد)
((اگر زنان جامعه و کسانی که به تامل و بررسی در زمینه موقعیت زنان می پردازند و معمولاً نظریاتشان از اعتبار اجتماعی برخوردار است، وضعیت زنان را طبیعی و بهنجار تلقی کنند، مسئله ای بنام «مسئله زنان» وجود نخواهد داشت. اما اگر «تعداد قابل ملاحظه ای» از مردم بوجود چنین مسئله ای باور داشته باشند، آنگاه باید وجود آن را برسمیت شناخت.))

- علیرضا علوی تبار - مدرس آموزش مدیریت دولتی، روزنامه نگار «دوم خردادی» (از اعضای سابق سپاه پاسداران)

(بنظر من روشنفکر دینی... در شرایط کنونی، برای حل دو مسئله - دموکراسی و حق حاکمیت مردم و دیگری اندیشه دینی و حواشی آن - با مسائل فوری تر و کلان تری روبروست که فارغ از مفهوم جنسیت است. از آنجا که کلیت دو موضوع فوق گریبانگیر مردان و زنان جامعه است و تنها پس از گذر از این کلیت می توان با مسئله «زن» مواجه شد، لذا تصور نمی رود که جریان روشنفکری دینی بر طرح مسئله زنان اصرار کند و بخواهد با آن مواجه شود. راه حل «مسئله زنان» قبل از حل کلیت دو مسئله مذکور، یعنی دموکراسی و انتظارات از دین، برای روشنفکری دینی بی معنا خواهد بود. مگر آنکه بتوان از مسئله زن بعنوان ابزاری برای حل آن دو مشکل اساسی استفاده کرد.)
- عباس عبدی، روزنامه نگار «دوم خردادی» (دانشجوی خط امام، عضو سابق دفتر مطالعات دادستان کل، از بازجویان عباس امیر انتظام)

(چیزی به نام مسئله زن وجود ندارد و محصول نوعی توهم، و نوعی مسئله سازی کاذب و انحرافی است. ... طراحان «مسئله زنان» در نهایت به دنبال دادخواهی از مردانند و همین است سر این که ما این مسئله را انکار می کنیم.

... زنان با طلب حقوق ویژه یا با طلب حقوق برابر، اما ضمن مطالبات ویژه، در واقع خود را از جرگه انسان خارج می کنند.

.. زن به هر منظوری که آفریده شده باشد فعلا فضای عالم را تلطیف می کند، جوهره انسانیت را بیشتر متجلی می کند، زمینه شور و شعر و نشاط است، بهانه زندگی است.

... زن با مرد فرق می کند و این تقصیر مردها نیست.)

- سید مرتضی مردیها، مقاله نویس نشریات «دوم خردادی»

- منبع نقل قولها - شماره‌های ۵۸ الی ۶۵ نشریه زنان

نیاز به شرح چندانی نیست. از سر و روی آقایان «دوم خردادی» زن ستیزی و مرد سالاری می بارد. آنها، دایناسورهای مذکر تاریخ را به یاد می آورند.

هنوز فیلسوفان اسلامی شان، با سفسطه می خواهند زنان را قانع کنند که اشکال هر چه باشد به «ساختمان بدن و روان» تان مربوط است. اشکال از «نفس» تان است که «کمال» نمی یابید و نمی توانید «نقش» ایفاء کنید!!!

هنوز پژوهشگران اسلامی شان با وقاحت می پرسند کی گفته که در جمهوری اسلامی «ادبیات و فرهنگ دینی مرد محور» نهادینه شده و زنان «قشری درجه دوم» محسوب می شوند!!!

هنوز سیاست مداران اسلامی شان عوامفریبانه به زنان وعده می دهند که اگر تعداد تان «قابل ملاحظه» باشد به مسئله رسیدگی می شود. بشرطی که بتوان از این مسئله «بعنوان ابزاری» برای حفظ نظام استفاده کرد!!!

هنوز لپنهای اسلامی شان در زنان «لطافت و شور و شعر و نشاط» جستجو می کنند و تهدید کنان می گویند اگر زنان «حق ویژه ای» طلب کنند از «جرگه انسان خارج» می شوند!!!

و سرانجام بدا بحال جریاناتی که فکر میکنند از فکل کراوتی های حوزه علمیه قم، آبی بنفع زنان گرم می شود. آنهم از کسانی که خود جزء طراحان و مجریان اصلی سرکوب و به بند کشیدن زنان بوده و مستقیم و غیر مستقیم در کلیه جنایاتی که رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با زنان سازمان داد، نقش داشتند. آنان با به بند کشاندن دهها هزار زن شورشگر و انقلابی و به قتل رساندنشان، با اشاعه عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین عقاید و افکار و سنن زن ستیزانه زندگی میلیونها زن را بباد فنا دادند.

زبانه دان تاریخ در انتظار این قبیل لاطانات «روشنفکران دینی» است حتی زمانی که رنگ عوض کرده باشند!